

زبان نامی

ساختمان دستوری و جمله سازی
ترجمه و بررسی های واژگانی

محمد علی عسگری

به نام خداوند جان و خرد

تقديم به اهالی نايين و حومه
و دوستداران زبان نايینی

زبان نایینی

ساختمان دستوری و جمله سازی
ترجمه و بررسی های واژگانی

محمد علی عسگری



انتشارات
مگستان

سرشناسه	:	عسگری، محمدعلی، ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور	:	زبان نایینی ساختمان دستوری و جمله سازی ترجمه و بررسی های واژگانی / محمدعلی عسگری.
مشخصات نشر	:	تهران: مگستان، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	:	۱۶۸ ص.
شابک	:	978-622-5825-38-3
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	نایینی
		Naini dialect
		زبان های ایرانی -- گویش ها
		Iranian languages -- Dialects
رده بندی کنگره	:	۳۷۶ PIR
رده بندی دیویی	:	۳/۹۶۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۱۷۰۷۳۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا



انتشارات
مگستان

زبان نایینی

ساختمان دستوری و جمله سازی

ترجمه و بررسی های واژگانی

محمد علی عسگری

ناشر: مگستان

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک ۳-۳۸-۵۸۲۵-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

تلفن مرکز پخش: ۸۸۲۴۹۹۵۶ - ۹۱۲۱۹۷۱۳۸۸

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
فصل اول: ساختمان دستوری.....	۲۳
فصل دوم: بعضی نکات گرامری.....	۵۵
فصل سوم: بررسی‌های فنی.....	۶۷
فصل چهارم: همراه با زبان نایینی در شعر و ادب فارسی.....	۸۳
فصل پنجم: جمله سازی با زبان نایینی.....	۹۱
فصل ششم: ترجمه به زبان نایینی.....	۹۷
فصل هفتم: بعضی مفردات در زبان نایینی.....	۱۱۵
فصل هشتم: تحلیلی بر ضرب المثل‌ها.....	۱۲۹
فصل نهم: اشتراکات دو زبان نایینی و کردی.....	۱۴۱
فصل دهم: جدول صرف افعال.....	۱۴۹

پیشگفتار

زبان هسته اصلی فرهنگ را تشکیل می‌دهد. در واقع زبان، ابزار بنیادین فهم رفتار بشر است و با آن می‌توان دریافت که انسان‌ها، رویدادهای محیط زندگی‌شان را چگونه می‌نگرند و آن‌ها را چگونه تحلیل و توصیف می‌کنند. به همین جهت است که انسان‌شناسان فرهنگی با بررسی زبان در جوامع گوناگون، می‌توانند در باره فرهنگ یک قوم، شیوه‌های اندیشیدن و جهان بینی آن، دانش بیشتری بدست آورده و به تحلیل و توصیف مناسب تری بپردازند. به بیان دیگر با تحلیل زبان یک جامعه است که می‌توان اطلاعاتی در باره فرهنگ و طرز فکر آن جامعه بدست آورد. زبان به عنوان یک نیروی انسجام دهنده نقش ویژه‌ای در بستر سازی، تکوین و بالندگی فرهنگی و تحقق هویت قومی و ملی دارد، اما موفقیت زبان در حصول به این مقصود بستگی به جوهره خلاقیت و آفرینندگی فرهنگ و درعین حال سیالیت، پویایی و سازگاری و هماهنگی عناصر تشکیل دهنده آن دارد. زبان علاوه بر آنکه خود حاصل بار معنایی هویت است، از طریق آفرینش و انتقال نظام معنایی قابل فهم برای دیگران، به مثابه ظرف و کانال انتقال سایر عناصر هویتی نقش ایفا می‌کند. چنان که اغلب از طریق زبان و مجموعه پیوسته به آن است که ما نسبت به هویت تاریخی و تلاش نیاکان برای حفظ و حراست از هویت

ملی و میهنی و سایر ارزش ها، اسطوره ها و آداب فرهنگی و اجتماعی که به ما رسیده است، آگاه می شویم.

زبان ها مانند موجودات زنده به دنیا می آیند، متحول می شوند و می میرند. همچنین یک زبان پیوسته با زبان های دیگر در حال داد و ستد است. به گفته ملک الشعرا بهار «درعالم هیچ زبانی نیست که بتواند از آمیختگی با زبان دیگر خود را برکنار دارد مگر زبان مردمی که هرگز با مردم دیگر آمیزش نکند و این نیز از محالات است»^۱. در این داد و ستدها بعضی واژگان یک زبان از رونق می افتند و بعضی واژگان دیگر جایگزین آنها می شوند. در همین داد و ستدهاست که برخی واژگان بیگانه از یک زبان وارد زبان دیگری می شود و رفته رفته اصالت آن زبان دستخوش تغییراتی می گردد. برای همین گویشوران یک زبان هرچه بیشتر در معرض این داد و ستدها باشند بیشتر زبان شان دستخوش تغییرات می گردد. به همین دلیل است که معمولاً گویشوران روستاهای دور افتاده به لحاظ زبانی دارای اصالت بیشتری نسبت به گویشورانی هستند که در مراکز شهرها زندگی می کنند.

تحولات زبان فارسی

می گویند نخستین کسی که به فارسی سخن گفت کیومرث و اولین کسی که به زبان فارسی خط نوشت بیوراسب پسر ونداسب بود. اما این افسانه ای بیش نیست. تاریخ نشان می دهد که ایرانیان همواره به گویش ها و لهجه های گوناگونی سخن می گفته اند و فارسی یا پارسی نیز یکی از

همین گویش ها بوده است. با این حال هرگاه یک گویش به دلیل کثرت و سودمندی های بیشتر از سوی دولت های مرکزی پشتیبانی شود حکم زبان رسمی را پیدا می کند. پیش از اسلام، در ایرانشهر که وسعتی از ماوراءالنهر تا رودخانه فرات داشت، زبان های متعددی رایج بود که برخی تعدادشان را به سی و برخی به چهل تا پنجاه می رسانند. میرزا آقاخان کرمانی در کتاب آئینه سکندری می گوید در زمان اردشیر بابکان وی دستور داد زبان ها را گردآوری کنند و سپس فرمان داد تا هرکس هر مشکلی دارد صرفاً به زبان فارسی دری بیان کند. به این ترتیب فارسی دری زبان رسمی حکومت شد. آقاخان زبان های رایج مردم ایران در آن دوران را سی تا و به این شرح معرفی می کند: ^۱ پهلوی، سِندی، خوزی، مِدی، زاولی، کیلی، رزی، نایینی، لوری، گزی، لکی، رشتی، بلوچی، آوغانی، بازآوری، گردی، ارمنی، آنجاری، سِندی، پنجابی، بَستامی، زندی، لیدی، اُورارتی، کرچی، باکتیری، سِمنکانی، لاری، مَنوشانی، استخری.

این درحالی است که به گفته زبان شناسان بعضی زبان های مهم ازجمله سغدی و خوارزمی در این فهرست از قلم افتاده اند. پرویز ناتل خانلری تعداد این زبان ها را چهل تا دانسته و در کتاب خود معرفی کرده است. ^۲ زبان شناسان می گویند تاکنون زبان فارسی ما سه مرحله مهم را پشت سر گذاشته است. دوره نخست شامل زبان های سکایی، مادی، پارسی باستان و اوستایی است که در کل به دوره پارسی باستان شهرت دارد. دوره دوم شامل زبان های پارسی میانه شرقی و غربی می شود. این

۱ - آقاخان کرمانی، آئینه سکندری، ۲۱۸

۲ - پرویز ناتل خانلری، تاریخ زبان فارسی، ج ۱، ص ۲۹۰

زبان ها شامل بلخی، ختنی، سغدی و خوارزمی بود که بیشتر در شرق ایران رواج داشت. پارسی میانه غربی شامل پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی می گردید که اولی در خراسان و مازندران و بخش هایی از جنوب ترکمنستان امروزی تا افغانستان رواج داشت و دومی عمدتاً در جنوب و غرب ایران کنونی رایج بود. زبان فارسی دری زبانی است که در دربار ساسانیان و بخش هایی از شرق ایران رواج پیدا کرد و نوعی زبان دیوانی و اداری محسوب می شد. با ورود اسلام به ایران زبان فارسی دری رونق بیشتری پیدا کرد و موفق شد برای کتابت از خط عربی نیز بهره برداری کند. به همین مناسبت ظرفی شد که هویت ملی ایرانیان پس از اسلام را در خود جای می داد. باید به یاد داشت که زبان های محلی و منطقه ای ایران در این دوره خاص و تعیین کننده نقش ریشه های زبان فارسی را بازی می کردند و به آن کمک می رساندند تا به ظرف هویتی ایرانیان تبدیل شود و در نتیجه ایرانیان را - برخلاف برخی از ملت های دیگر - از کاربرد زبان عربی بی نیاز کردند. بعدها این زبان به همت شاعرانی امثال رودکی و بعد فردوسی قدرت گرفت و هویتی متمایز پیدا کرد به ویژه آنکه در دربار سامانیان به صورت یک زبان رسمی در آمده بود. با رسمیت یافتن فارسی دری، سایر لهجه ها، گویش ها و زبان های محلی ایرانیان از بین رفت بلکه به صورت منطقه ای و محلی کاربرد خود را حفظ کردند. به گفته ریچارد فرای^۱ در این دوران زبان فارسی دری به صورت حلقه واسطه ای بود که اقوام و ملل مختلف ساکن در ایران شهر برای ارتباط با

۱ - فرای، ر. ن. تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، کمبریج جلد ۴، مترجم: حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۵۱۴.

یکدیگر از این زبان استفاده می‌کردند. رفته رفته این حلقه وصل تبدیل به زبان اصلی ایرانیان شد و در نتیجه زبان‌های محلی به حاشیه رانده شدند. با استقرار دولت‌ها و توسعه فناوری این روند تشدید شد به نحوی که امروزه گویی زبان کل ایرانیان زبان فارسی است. زبان نایینی نیز یکی از همین گویش‌ها بود که پس از قرن‌ها همچنان به رغم بی‌توجهی‌ها به حیات خود ادامه می‌دهد و هنوز در بخشی از کویر مرکزی ایران به این زبان تکلم می‌کنند. هم اکنون در کشور ما زبان فارسی دری زبان معیار است. از این زبان به اشکال مختلف در افغانستان، تاجیکستان، بخشی از هندوستان و د و حتی بخش‌هایی از قفقاز استفاده می‌شود. زبان نایینی یکی از زیر مجموعه‌های کهن زبان فارسی به شمار می‌رود که براساس تقسیم بندی زبان‌های ایرانی، به گروه جنوب شرقی از زبان‌های مرکزی ایران تعلق دارد. اردستانی، انارکی، زفره‌ای، گویش یهودیان یزد و کرمان و گویش زرتشتیان این دو شهر، از دیگر اعضای این گروه زبانی به شمار می‌روند.^۱

زبان یا گویش؟

هنوز این مساله روشن نشده که آیا نایینی یک زبان است یا یک گویش؟ درحالی که برخی آن را «گویش» می‌دانند و بر این نکته اصرار می‌ورزند، گروهی دیگر آن را مانند کُردی یک «زبان» می‌دانند و بر اصالت این زبان تاکید می‌ورزند. هریک از این دو گروه نیز برای خود استدلال‌هایی دارند و

۱ - فاطمه محمدی، بررسی تاثیر سن و جنس بر کاربرد زبان در شهرستان نایین، همایش گویش‌های مناطق کویری ایران، ۱۸۹۶

می‌شود گفت هردو نیز درست می‌گویند زیرا هر کدام از یک زاویه به قضیه می‌نگرد. به نظر می‌رسد گروه نخست در ایران به جز فارسی زبان دیگری را به رسمیت نمی‌شناسند و بنابراین تمام زیر مجموعه‌های آن را گویش قلمداد می‌کنند. با این توصیف زبان‌های کردی، لری، گیلکی و البته نایینی را باید گویش به حساب آورد. همانطور که اشاره شد خود زبان فارسی یا پارسی نیز روزگاری یکی از گویش‌های محلی منطقه پارس در جنوب غرب ایران بوده است اما وقتی به صورت یک زبان رسمی در آمد دیگر کسی به آن گویش نمی‌گوید. اما اگر مبنا و ملاک یک زبان را ویژگی‌های ذاتی آن در نظر بگیریم به این نتیجه می‌رسیم که نایینی نیز می‌تواند مانند فارسی، کردی، لری و خوزی یک زبان به حساب آید. برای روشن شدن مساله بهتر است تفاوت زبان، گویش و لهجه‌ها را مورد مذاقه قرار دهیم.

زبان (Language) مجموعه علایم و نشانه‌هایی است که یک ملت یا یک قوم برای ارتباط و بیان مافی الضمیر خود استفاده می‌کند. زبان‌ها به گونه‌هایی گفته می‌شود که سخنگویان آن فهم متقابل از یکدیگر ندارند و برای این فهم متقابل باید یک زبان به زبانی دیگر ترجمه شود. هر زبان دارای واژگانی مشخص و دستور زبانی معین است که می‌شود آنها را یاد گرفت و به دیگران نیز آموزش داد. برای درک یک زبان باید آن را آموزش دید و واژگانش باید به زبان دیگر ترجمه شود تا قابل فهم باشد. این درحالی است که در ارتباط بین گویش‌ها ما نیازی به مترجم نخواهیم داشت. به این ترتیب فارسی، ترکی، عربی و انگلیسی هرکدام یک زبان به حساب می‌آیند. با این تعریف می‌توان نایینی را هم یک زبان دانست زیرا

برای خود دستور زبان دارد و برای درک متقابل با هر زبان دیگری نیاز به مترجم احساس می‌شود. یعنی تا زبان نایینی ترجمه نشود برای یک فارسی زبان قابل درک نخواهد بود کما اینکه کردی هم یک زبان بوده و دقیقا همین ویژگی‌ها را دارد. زبان‌ها عمدتاً به حالت مکتوب در می‌آیند حال آنکه گویش‌ها در سطح شفاهی باقی می‌مانند.

گویش (Dialect) به شکل‌هایی از یک زبان گفته می‌شود که در گذر زمان به دلایل مختلف تفاوت‌هایی آوایی یا دستوری و واژگانی با هم پیدا کرده‌اند. با وجود این، برقراری ارتباط میان گویندگان و شنوندگان گویش‌های مختلف یک زبان کم و بیش ممکن است. سخنگویان دو گویش از یکدیگر فهم متقابل دارند و نیازی نیست تا فردی به نام مترجم بین آنها این ارتباط را برقرار کند. این درحالی است که اگر این تفاوت‌ها به اندازه‌ای باشد که برقراری ارتباط را ناممکن سازد، در این صورت ما با دو زبان سرو کار خواهیم داشت. گویش‌ها معمولاً در زیر مجموعه زبان‌ها قرار می‌گیرند و هر زبانی به فراخور زمان و مکان خود می‌تواند گویش‌های مختلفی داشته باشد. گویش‌ها بیشتر به صورت شفاهی هستند تا اینکه مکتوب شده باشند و در کل دستور زبان دقیق و روشنی ندارند و یا اگر هم داشته باشند کسی آنها را مکتوب و مدون نکرده است. در زیر مجموعه زبان نایینی نیز گویش‌های مختلف وجود دارد که برای مثال می‌توان از انارکی، محمدیه، لاسیایی، نیستانکی و غیره گفت که هر کدام گویش‌های این زبان به حساب می‌آیند.

لهجه (Accent) به اشکال آوایی گوناگون یک زبان گفته می‌شود که در مناطق مختلف شکل می‌گیرد. سخنگویان لهجه‌های یک زبان از

همدیگر فهم متقابل دارند. اصطلاح لهجه هنگامی به کار می‌رود که تفاوت میان دو یا چند گونه یک زبان اساساً آوایی/ واجی باشد یعنی تفاوت‌ها در سطح تلفظ باقی مانده و به سطح دستور زبان و واژگان کشیده نمی‌شود. سخنگویان لهجه‌های یک زبان به آسانی می‌توانند سخنان یکدیگر را دریابند. لهجه‌ها دارای دستور زبان نیستند و اساساً به لحاظ دستوری تفاوتی با زبان مادر ندارند و فقط تفاوت شان در نحوه بیان کلمات و جملات و آوا یا صداهایی است که گویندگانش بیان می‌کنند. همچنین در بین لهجه‌ها نیازی به مترجم احساس نمی‌شود و کسانی که تابع یک زبان مادری باشند با اندکی کاوش می‌توانند لهجه‌های مختلف را درک کنند. لهجه‌ها مثل یزدی، مشهدی، اصفهانی، تهرانی، قمی و غیره. در مورد زبان نایینی لهجه‌ها مثل کمال آبادی، بلانی، اشکستانی و غیره.

زبان شناسان می‌گویند لهجه‌های یک زبان در طول تاریخ با دور شدن از یکدیگر به تدریج به گویش‌های آن زبان تبدیل می‌شوند. اگر گویش‌های یک زبان نیز در گذر زمان چنان از یکدیگر دور شوند که امکان برقراری ارتباط میان سخنگویان آنها از میان برود، به زبان‌های مختلف بدل می‌شوند و هر گویشی که به قولی ارتش و دولت داشته باشد به یک زبان رسمی تبدیل می‌گردد. برای مثال چند سال پیش فیلیپین از بین ۸ گویش خود یکی را به نام Tagalog برگزید و به زبان رسمی خود تبدیل کرد. از آن پس سایر گویش‌ها نیز برای برقراری ارتباط خود در سطح ملی ناچار گشتند از همان گویشی استفاده کنند که به زبان رسمی تبدیل شده بود.

دکتر محمد دبیر مقدم با بررسی دقیقی که پیرامون نظرات زبان شناسان ایرانی و خارجی پیرامون زبان، گویش و لهجه به عمل آورده به این نتیجه روشن می‌رسد که «فارسی امروز، گیلکی، مازندرانی، کردی، هورامی، وُفسی، لکی، دلواری، لارستانی و نایینی زبان اند. زبان فارسی امروز زبان رسمی است و دیگر زبان‌های مذکور زبان‌های محلی کشور به حساب می‌آیند».^۱ نکته درخور توجه اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز سایر گویش‌های در کنار زبان فارسی را «زبان» قلمداد کرده است. چنانکه دراصل پانزدهم آن آمده است «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی، تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است». با این توضیحات اگر زبان نایینی را هم یک زبان خطاب کنیم راه دوری نرفته ایم و حتی به این وسیله به اهمیت و توانمندی‌های درونی آن اعتراف کرده‌ایم.

ریشه‌های زبان نایینی

زبان نایینی یکی از اجزای زبان پارسی باستان به شمار می‌رود و به جز مطالعات تاریخی، این نکته را واژگانی^۲ به اثبات می‌رسانند که در هردوی این زبان‌ها مشترک است. برای مثال واژه «روزنه» را در نظر

۱ - محمد دبیر مقدم، زبان، گونه، گویش و لهجه، کاربردهای بومی و جهانی، ادب پژوهی شماره ۵، ۱۳۸۷.

۲ - برای شناخت واژگان زبان نایینی به کتاب‌های زیرمراجعه کنید: ویژگی‌های زبان محلی نایین اثر استاد محمد تقی جامع / نایینی؛ دستور زبان و واژه نامه اثر مشترک محمد یادگاری و زینب صارمی و کتاب فرهنگ زبان نایینی گردآوری دکتر منوچهر ستوده.

بگیرید که در زبان اُوستایی نیز می‌توان رد پای آن را مشاهده کرد. در زبان اُوستایی روزنه از پیوند «روز+نه» گرفته شده است. روز یا روزا به معنای روز و روشنایی روز است که شکل پهلوی آن نیز به صورت «روز» تلفظ می‌شود. کلمه روزنه در زبان نایینی وجود ندارد اما به جای آن از کلمه «هورونو» استفاده می‌گردد که به نظر می‌رسد شکل دگرگون شده واژه «هوار» یا همان «هور» به معنای خورشید باشد. به این ترتیب مفهومی که از دو کلمه «روزنه» و «هورنو» بدست می‌آید یکی است و هردو اشاره به محلی برای عبور نور و روشنایی می‌کنند. یک نمونه دیگر واژه «نمد» است که در زبان اُوستایی به صورت «ممتَه» و در فارسی پهلوی به صورت «مَمَد» و در نایینی به صورت «نیمی» به کار می‌رود. یا واژه خانه که در نایینی به صورت «کی‌یه» و در زبان اُوستایی به صورت «کته» و در فارسی پهلوی به صورت «کتک» و در فارسی قدیم به صورت «کد» بکار می‌رفته و کلماتی مانند کدخدا و کدبانو از همین گرفته شده است. یکی از روستاهای نایین «مزیک» نام دارد که برخی زبان شناسان احتمال می‌دهند از کلماتی چون «مزدک» یا «مزد» به معنای پاداش گرفته شده باشد. یک واژه شاخص دیگر کلمه «مرده» است که در زبان نایینی به صورت «مرته» به کار می‌رود. این کلمه در زبان اُوستایی به صورت «مرته» و در پهلوی به صورت «مردته» به کار می‌رود و در هردو زبان کردی و نایینی به صورت «مرته» و «نامرته» یا «میره/میره» و «نامیره/نامیره» به کار می‌رود. از این نمونه‌ها فراوان است. بعضی گمان می‌برند زبان نایینی شبیه به زبان زرتشتی است اما باید در نظر داشت که اولاً زرتشتی یک زبان نیست بلکه یک دین است و ما زبانی به نام

زرتشتی نداریم. در واقع زبان دین زرتشتی، اوستایی است. دوم اینکه قدمت زبان نایینی کم تر از زبان اوستایی نیست و اگر اوستایی زبان دینی زرتشتیان بوده است نایینی نیز زبان محلی منطقه‌ای به همین نام در کویر مرکزی ایران بوده است.

زبان‌های محلی ایران از نظر ذخیره واژگانی بسیار غنی هستند و برای تدوین یک فرهنگ جامع و کامل زبان فارسی می‌توانند بسیار مفید باشند. به گفته دکتر کزازی زبان‌های محلی پشتیبان بلاواسطه زبان فارسی دری به شمار می‌روند. به این معنا که زبان فارسی معیار می‌تواند با روی آوردن به این زبان‌های محلی بر غنای خود افزوده و هر بار در مواجهه با پدیده‌های جدید واژگان تازه‌ای را استخراج کند. از سوی دیگر زبان‌های محلی ایران ریشه‌های زبان فارسی معیار به شمار می‌روند و هرگونه تلاش برای تثبیت یا حفظ آنها به معنای نگهداشتن همان ریشه هاست. بنابراین اگر به این ریشه‌ها رسیدگی نشود زبان معیار ما آسیب خواهد دید. زیرا در آن صورت قادر به واژه سازی و مقاومت در برابر زبان‌های بیگانه نخواهد بود و رفته رفته پایه و ریشه‌های آن سست خواهد شد. به عبارتی دیگر، توجه به این زبان‌های محلی به معنای توجه به ریشه‌های هویت ملی ایرانیان است.

هم اکنون می‌توان دهها واژه را پیدا کرد که در دو زبان فارسی و نایینی کاربردهای مشابهی دارند.^۱ در این میان واژگانی نیز یافت می‌شوند که برای مثال در زبان نایینی هنوز به صورت کامل استفاده می‌شود اما در

۱ - در این باره نویسنده مقایسه ای را بین سه زبان فارسی، کردی و نایینی برقرار کرده است که در فصل نهم کتاب آمده است.

زبان فارسی رایج از بین رفته یا دیگر کاربردی ندارند. یک نمونه آن واژه «مسکه» به معنای کره است که دیگر در زبان فارسی جایگاهی ندارد، حال آنکه در قدیم الایام استفاده می‌شده و برای مثال در جوامع الحکایات آمده است «شاپور را از آن نازکی و لطافت اندام او عجب آمد و گفت: غذای تو در وقت تربیت چه بوده است که اندام تو چنین لطیف و نعیم گشته است؟ گفت: پدر مرا از زرده خایه ی مرغ و مغز سر بره و مسکه و انگبین داد.» یا واژه «ویر» به معنی به یاد داشتن که در شعر فردوسی نیز آمده است: «بپرسید نامش ز فرخ هجیر / بگفتا که نامش ندارم ز ویر» این واژه در زبان فارسی دیگر کاربردی ندارد، اما در زبان نایینی همچنان کاربرد داشته و به اشکال مختلف صرف می‌گردد. یا برای مثال فعل «ریج = ریختن» که در شعر باباطاهر آمده است «دل عاشق مثال چوب تر بی / سری سوجه سری خونابه ریجه». این مصدر در زبان نایینی به صورت کامل صرف می‌گردد و از آن افعال گوناگونی در ماضی و مضارع گرفته می‌شود حال آنکه در زبان فارسی یا گردی دیگر کاربردی ندارد.^۱

داستان این کتاب

هر زبان دو صورت نوشتاری و گفتاری دارد. گویش‌ها عمدتاً شکل نوشتاری ندارند یا هنوز به صورت نوشتاری در نیامده اند. لهجه‌ها نیز غالباً شکل گفتاری و آوایی دارند و اگر در جایی هم به صورت مکتوب در آمده باشند از سر تفنن بوده است. زبان نایینی یکی از زبان‌هایی است که

^۱ - برای توضیح بیشتر به ص ۸۶ همین کتاب مراجعه فرمایید.

به رغم قدمتی چندین هزار ساله متأسفانه هنوز به شکل نوشتاری در نیامده است. به ندرت می‌توان در طول تاریخ گذشته حتی یک سند را بدست آورد که به زبان نایینی نوشته شده باشد. با این حال در سالهای اخیر برخی شاعران نایینی اقدام به سرودن اشعاری به این زبان کرده‌اند که اخیراً نیز سید محمود رضوی مجموعه‌ای از این اشعار را گردآوری کرده است. افرادی نیز اقدام به ضبط و نشر ضرب المثل‌های نایینی کرده‌اند که کار ارزنده‌ای است و غنای فرهنگی و بار معنایی این زبان را نشان می‌دهد. با این همه این پرسش به قوت خود باقی است که آیا زبان نایینی در حدی نیست که به صورت مکتوب درآید؟ کسانی کوشیده‌اند دستور این زبان را استخراج کنند. خوشبختانه تلاش‌های آنها نشان می‌دهد زبان نایینی برای خود ساختمان دستوری منظم و قابل توجهی دارد و این یعنی امکان تبدیل این زبان به حالت نوشتاری بوده و هست. یکی از گام‌های ارزشمند در این راه را استاد محمد تقی جامع نایینی برداشت که در کتاب *ویژگی‌های زبان محلی نایین*^۱ برخی از نکات دستوری، تعدادی از واژگان و حتی ضرب المثل‌های نایینی را گردآوری کرد. پس از ایشان نیز محمد یادگاری و زینب صارمی نایینی کتاب *نایینی، دستور زبان و واژه‌نامه*^۲ را به رشته تحریر در آوردند که در آن سعی وافری شد تا ساختمان دستوری این زبان توضیح داده شود. کتابی را که هم اکنون در دستان خود دارید باید گامی در ادامه این راه تلقی

۱ - جامع نایینی؛ محمد تقی، ویژگی‌های زبان محلی نایین، انتشارات مهر قائم، اصفهان، ۱۳۸۳.

۲ - یادگاری نایینی، محمد؛ زینب صارمی نایینی، دستور زبان و واژه‌نامه، انتشارات مگستان، تهران، ۱۳۹۸.

کرد. نگارنده پیش تر با تالیف دو کتاب هشوای ۱ و ۲^۱ سعی کرد نشان دهد که زبان نایینی می تواند به صورت یک زبان مکتوب نیز ارایه شود. کتاب حاضر در واقع حاصل تتبعات و کلنجارهای من با زبان مادری ام یعنی زبان نایینی است. در اینجا سعی کرده ام تا حد توان به ساختمان دستوری آن راه پیدا کنم و از آنجا به بررسی بعضی واژگانش بپردازم. همچنین برای تفنن و یادگیری و آموزش به دیگران، سعی کرده ام جملاتی را به زبان نایینی برگردانده یا متونی را از این زبان به فارسی یا بالعکس ترجمه کنم. نیاز به توضیح واضحات نیست که زبان نایینی دارای زیرمجموعه های متنوع و گسترده ای از گویش ها و لهجه هاست که حتی از یک روستا به روستای دیگر متفاوت است. طبیعی است که بنده از زبان مادری خودم در منطقه نیستانک استفاده کرده ام اما در عین حال با کمال تواضع به همه این گویش ها و لهجه ها احترام می گذارم و هیچ کدام را برتر از دیگری نمی نشانم. همه آنها از نظر من شاخ و برگ و ساقه های یک درخت تناور به نام زبان نایینی هستند. بنابراین اگر تلفظ فعلی یا اسمی بر زبان کسی آنچنان که باید نمی چرخد، آن را نباید عیب تلقی کرد بلکه این ممکن است از تنوع لهجه های این زبان نشأت گرفته باشد. درمجموع می دانم که این کار خالی از عیب و نقص نیست و خوشحال خواهم بود سروران گرامی و مخاطبان ارجمند مرا در تصحیح این اشتباهات یاری دهند.^۲ همچنین امیدوارم کسانی دیگر که دانش و توانی

۱ - عسگری، محمد علی، هشوا، انتشارات لوح زرین ۱۳۹۸/ هشوا ۲ مجموعه شعر و داستان به زبان نایینی همراه با ترجمه فارسی، انتشارات مگستان ۱۴۰۱.

۲ - برای هرگونه اظهار نظر، انتقاد، پیشنهاد و نحوه تهیه کتاب با آدرس الکترونیک نویسنده

بیشتر از بنده دارند در این راه قدم گذاشته و با تولید آثاری پربار علاقمندان را سیراب سازند. در پایان این مقدمه ابتدا باید از دایی گرامی ام مهندس قدرت‌الله کافی‌آبادی که هزینه چاپ این اثر را تقبل فرمودند تشکر کنم. همچنین از آقایان محمود آسایش، عباسعلی امامی، رسول زمانی، محمود اسماعیلی و هادی عسگری قدردانی می‌کنم که این کتاب را پیش از چاپ، مطالعه فرموده و ضمن تشویق بنده نکاتی را در اصلاح و بهبودی آن تذکر داده اند. از آقای مرتضی آل داود و همکاران شان در انتشارات مگستان نیز که شرایط انتشار این اثر را مهیا کرده اند صمیمانه تشکر کرده و برای تک تک شان آرزوی سلامتی و بهروزی می‌کنم.

محمدعلی عسگری

زمستان ۱۴۰۱



فصل اول

ساختمان دستوری



صرف افعال

نگاهی کلی به افعال

صرف افعال در زبان نایینی به نسبت زبان فارسی پیچیده و دشوارتر است، اما بخش اعظم این پیچیدگی به دلیل کار نکردن و نا مانوس بودن با این حوزه است. در زبان فارسی دری تقریباً تکلیف همه فعل‌ها مشخص و معلوم است. وقتی به زمان ماضی می‌روند با بعضی شناسه‌های معین و معلوم صرف می‌شوند: (رفتیم، رفتی، رفت، رفتیم، رفتید، رفتند) این ترکیب تقریباً در همه افعال یکسان است. همچنین وقتی فعلی را به زمان مضارع یا حال می‌آورند با اضافه کردن شناسه‌های معلوم و معینی به بُن فعل آن را می‌سازند: (می‌روم، می‌روی، می‌رود، می‌رویم، می‌روید، می‌روند).

فعل ماضی در زبان فارسی از یک نظر پنج نوع دارد (ساده، نقلی، بعید، التزامی و استمراری). از این پنج نوع در زبان نایینی با چهار نوع آن (ساده، نقلی، بعید و استمراری) بیشتر سر و کار داریم و از فعل ماضی التزامی در مواقع معدودی استفاده می‌شود. مشکل بزرگ‌تر اما جای

دیگری است و آن اینکه در زبان فارسی دری ما با یک نوع فعل ماضی ساده سرو کار داریم (گفتم، گفתי، گفت، گفتیم، گفتید، گفتند)، اما در زبان نایینی فعل ماضی ساده می‌تواند به سه شکل کاملاً متفاوت دیده شود:

مَوَات: گفتم (شناسه در ابتدای فعل)

وَم رَسا: پرسیدم (شناسه فعل در وسط)

یومی یی: آمدم (شناسه فعل در انتها)

به این ترتیب اگر این سه مورد را در آن پنج مورد بالا ضرب کنیم در مجموع می‌شود گفت در زبان نایینی ما ۱۵ نوع فعل ماضی داریم که هر کدام طبق برنامه خود صرف می‌شوند و نباید آنها را با یکدیگر مخلوط کرد.

زمان مضارع در فارسی به دو صورت اخباری و التزامی (می‌روم، بروم) صرف می‌شود. این وضعیت در زبان نایینی نیز قابل مشاهده است (شی = می‌روم/مُواشوی = بروم) اما چنانکه خواهیم دید در زبان نایینی فعل مضارع استمراری نیز کاربرد فراوانی دارد. به دلیل ارتباط خاص و مستقیم بن فعل مضارع با مصدر، بهترین جایی که می‌توان از طریق آن به مصدر یک فعل پی برد فعل مضارع است نه فعل ماضی.

برای ساختن فعل مستقبل یا آینده در زبان فارسی از دو شیوه با فعل کمکی یا بدون فعل کمکی، بهره گرفته می‌شود (خواهم رفت - می‌روم). در زبان نایینی نیز فعلی که دلالت بر زمان آینده کند به دو صورت می‌آید. یا ابتدا و انتهای فعل مضارع را با یک حرف صدا دار اضافه می‌کنند تا مفهوم آینده را از آن استخراج کنند، مانند: (وئنیوسی: خواهم

نوشت / یی ی = خواهم آمد). یا اینکه برای بیان انجام کاری در آینده از فعل کمکی (وا = خواستن) بهره می‌برند: مَووا اِیشی = می‌خواهم بروم. / مَووا اَوخوری = می‌خواهم بخورم.

در مجموع در زبان نایینی نیز مانند فارسی هر فعلی دارای یک بن فعلی و یک شناسه است. این شناسه شخص را نشان می‌دهد و بر مفرد یا جمع بودن آنها تاکید می‌کند. خوشبختانه در زبان نایینی نیز مانند فارسی ما با مذکر و مونث بودن یا حالت مثنای فعل سر و کار نداریم و این مساله تا حد زیادی از حجم صرف افعال و پیچیدگی آنها در هردو زبان می‌کاهد.

فعل و مصدر

پیش از ورود به مرحله صرف افعال بد نیست این نکته را در نظر داشته باشیم که هر فعلی از مصدری گرفته می‌شود و برای اینکه بتوان یک فعل را در مورد اشخاص گوناگون اعم از مفرد یا جمع و غایب یا مخاطب بکار برد، باید با شناسه‌ای همراه باشد که آن شناسه در واقع شخص انجام دهنده آن فعل را به ما نشان می‌دهد. مثلاً در فعل «رفتیم» ما یک بن فعل داریم «رفت» و یک شناسه «م» که اولی ریشه و معنای فعل را نشان می‌دهد و دومی شخص که در اینجا بیانگر عملی است که از من به عنوان یک مفرد متکلم سر زده است. به عبارتی دیگر یعنی «من رفتیم». حال اگر بخواهیم همین فعل را در مورد «تو، او، شما و...» بکار ببریم ناچاریم از شناسه‌های خاص آنها استفاده کنیم «رفتِی = تو رفتی / رفت = او رفت / رفتِیم = ما رفتیم / رفتِید = شما رفتید / رفتند = آنها رفتند».

توجه داشته باشید که صیغه سوم شخص یعنی مفرد غایب شناسه نیاز ندارد. همین اتفاق در زبان نایینی نیز رخ می‌دهد با این تفاوت که گفتیم یک فعل ماضی ساده در زبان نایینی به سه شکل آورده می‌شود.
مُوخا = خوردم (م = شناسه + اوخا = به معنای خوردن که از مصدر خارتن گرفته شده است)

وَرُمی گرفت = برداشتیم (می = شناسه + ورگرفت = برداشتن که از مصدری به همین نام گرفته شده است)

وَرَسایم = شنیدیم (ورسا + یم = فعل + شناسه / ورسای مصدر این فعل بوده که «ی» آن افتاده است).

شناسه‌ها در زبان فارسی و در فعل‌های ماضی عبارتند از: م - ت - ش - مان - تان - شان

همین شناسه‌ها در فعل مضارع عبارتند از: م - ی - د - یم - ید - ند اما این شناسه‌ها در زبان نایینی تکرر بیشتری دارند. زیرا همان طور که گفته شد فعل ماضی در این زبان سه شکل کاملاً متفاوت دارد. بنابراین شناسه هایش نیز با یکدیگر تفاوت پیدا می‌کند:

۱- (در ابتدای فعل) م - ت - ش - می - تی - شی (گاهی: مو - تو - شو...)

۲- (در وسط فعل‌های دو بخشی) م - ت - ش - می - تی - شی

۳- (در انتهای فعل) ی - ی - ... - م - ید - ن

همین شناسه‌ها در فعل مضارع به این صورت می‌آید:

ی - ی - ... - م - ید - ن

نقطه چین‌ها به این معناست که در آنجا شناسه وجود ندارد. از این رو

در غالب موارد برای سهولت تلفظ این صیغه همراه با یک «ه» اضافه آورده می‌شود و برخی تصور می‌کنند آن شناسه است حال آنکه شناسه فعل نیست. مثل «یی - یی - یه / ی - یم - یید - ین» (می‌آیم، می‌آیی، می‌آید، می‌آییم، می‌آیید، می‌آیند).

علامت مصدر

در زبان فارسی علامت های مصدر عبارتند از «تن» و «دن» که با حذف آن بن فعل بدست می‌آید. مثال: رفتن / دويدن / اما در زبان نایینی به نظر می‌رسد دو علامت «ای» و «ن» از علامت‌های مشخص برای مصدر باشد. هنگام صرف یک فعل این علامت‌ها حذف می‌گردند. مثال: رُونای = دانستن / برتن = بردن که شکل مضارع هردو می‌شود: زونی = می‌دانم / بیری = می‌برم. نزدیک ترین فعل به مصدر فعل مضارع است. بنابراین مصادر بسیاری از افعال را از روی فعل مضارع می‌توان تشخیص داد. مثال: ساجی = می‌سازم (مضارع) که مصدر آن می‌شود: ساجن = ساختن. گاهی نیز از هردو علامت برای یک مصدر استفاده می‌شود. مانند: ریجای / ریتن = ریختن. در این موارد باید دقت داشت زیرا ممکن است که به صورت اشتباهی مصدر را به جای مضارع از ماضی گرفته باشند. میریت = ریختم / ریجی = می‌ریزم. یک نمونه دیگر هَووَفْتِن / هَووَسای به معنای خوابیدن است که به گمان برخی اولی و به گمان بعضی دیگر دومی مصدر این فعل می‌باشد ولی اگر به مضارع آن بنگریم متوجه می‌شویم که درست آن هَووَسای است.

چند مثال دیگر: هَنِیْگِشْتِن = نشستن / بیرْفَتِن = گریه کردن / رَسْنِن =

رساندن / سُوچَن = سوختن

پیچای = پختن / وِگرتای = برگشتن / تاکنای = باز کردن / خندای = خندیدن

ساجِن = ساختن / بَرَتِن = بردن / مَرَتِن = مردن / بیرَفَتِن = گریه کردن / خارَتِن = خوردن

وَنای = بریدن / وینای = دیدن / ریجای = ریختن / هُووسای = خوابیدن / هَبندای = بستن

برای اینکه مطالب بالا بهتر فهمیده شود باید به سراغ صرف افعال برویم. برای سهولت کار ابتدا از ماضی شروع می‌کنیم.

گروه‌های فعلی

همانطور که پیش تر اشاره شد در زبان نایینی به لحاظ گروه بندی ما سه نوع فعل ماضی داریم:

۱- آنهایی که شناسه شان در ابتداست:

مِوِخا = خوردم / شِیئَبَه = بردند / تِیدی = دیدی / (توجه داشته باشید که شناسه اصلی همان «ش-ت» است و حرف «ی» برای ایجاد ارتباط و تقویت آمده است و در اصل آن را از «ای» به «ی» تبدیل کرده اند). همین اتفاق در شناسه «مو» نیز افتاده است. به این معنی که شناسه اصلی آن «م» بوده ولی برای اتصال به بن فعل آن را همراه با حرف «و» کرده‌اند.

۲- آنهایی که شناسه شان در وسط است:

وَمِ رِسا = پرسیدم / دِرِمِ گیرنا = روشن کردم / وِشی نیوشت = نوشتند /

برش خُس = بیرون انداخت

۳- آنهایی که شناسه شان در انتهاست:

اوشویی = رفتم / وروستا = برخاست / هووفتین = خوابیدند / ایبیرفتم =
گریه کردیم

* توجه: این فعل‌ها در اول و دوم شخص شکل یکسانی دارند. مثال:
اوشویی = رفتم / اوشویی = رفتی. به عبارت دیگر یعنی شناسه این دو
صیغه فعل مشابه یکدیگر هستند.

فعل‌های مضارع نیز به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند:

۱- فعل‌هایی که به نحوی خلاصه مصدر به شمار می‌آیند:

خوری = می‌خورم / ریجه = می‌ریزد / وینین = می‌بینند / ساجید =
می‌سازید

۲- فعل‌هایی که در ابتدا یا وسط شان یک همزه اضافه به کار رفته است:

وئرسی = می‌پرسم / وئنیویس = می‌نویسد / هئتی = می‌دهم / هئنیگن =
می‌نشینند

فعل‌های امر نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- فعل‌هایی که مستقیم از بن مضارع گرفته و خلاصه آن است.

وئرس = بپرس / هئنیگید = بنشینید / یور = بیا / هگیرید = بگیرید

۲- فعل‌هایی که از بن مضارع با اضافه کردن یک همزه ساخته می‌شود.

ایریج = بریز / اوساج = بساز / ائیرینید = بخرید / ایوین = ببین / اوشید /

ایشید = بروید